

تبعیض علیه زنان در بعد جهانی

ناهدید جعفرپور



بقیه در صفحه ۴

ویدئو کشته شدن نمیر نوالدین، خبرنگار عراقی رویترز بوسیله نیروهای آمریکا

سایت خبری راه کارگر

بقیه در صفحه

آیا تحولات جدیدی در گروه "جندالله" در جریان است؟

بقیه در صفحه ۸

کاهش ساعت کاری زنان اقتصاد کشور را زمین گیر می کند
مغز جامعه مرکب از زنان و مردان است و اگر زنان از اجتماع کنار زده شوند، جامعه فقط از نصف مغز و ظرفیت خود استفاده می کند بنابراین بهتر است نمایندگان مجلس اندکی دست نگه دارند و برای تصویب قوانین از همه مغز خود استفاده کنند.

بقیه در صفحه ۷

اطلاعیه مشترک

کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید

جمهوری اسلامی و دادرسی ویژه ایرانیان خارج از کشور

بقیه در صفحه ۵

اول ماه مه

ستون تبادل نظر کارگری

به پیشواز اول ماه مه روز جهانی کارگری رویم
* - به یاد اول ماه مه پاسخی کوتاه به پرسش شما

بقیه در صفحه ۲

روز جهانی کارگر، فریاد درد مشترک



"هینت تحریریه سایت راه کارگر"

بقیه در صفحه ۳

کمون پاریس

کارگران نیرومند تر از همیشه خواهند آمد

بقیه در صفحه ۵

گفتار سیاسی روز رادیو راه کارگر

* - کشمکش مجلس و دولت بر سر تعرض تدریجی یا حمله برق آسا به سطح معیشت مردم، و لزوم سازماندهی و اکنش مزد و حقوق بگیران.

* - نگاهی به سرنوشت دو وعده کلان دولت احمدی نژاد به مردم

بقیه در صفحه ۶

اول ماه مه

ستون تبادول نظر کارگری

به پیشواز اول ماه مه روز جهانی کارگری رویم

در آستانه اول ماه مه سال ۸۹ (۲۰۱۰) هستیم

بر آن شدیم تا ستونی برستون های خواندنی سایت راه کارگری بیافزاییم و این بار و هر بار در رابطه با مسائل کارگری اگر چه طی چند ماه اخیر، اکثر سایت های خبری اعم از چپ و غیره، متمرکز بر جنبش مردمی ضد استبدادی حاکم در ایران شده است ولی خواستیم تا برای این کمتر از یک ماه مانده تا اول ماه مه از این روز و رویدادهای مربوط به این روز در ایران و جهان در سایت صحبت داشته باشیم

باشد که بتوانیم در این ستون بادوستان و رفقای عزیز و گرمی درگیر و علاقه مند با حرکت های کارگری - درون و برون - تبادل نظر کارگری برقرار کنیم تا مگر بتوانیم به این مهم از دری دیگر و زوایای دیگر نگاهی روشن بیاندازیم بر اساس حس ضرورت و نیاز این جنبش در معرض لطمه که چنان گره خورده در خود، تا راهی نو بدور از خورده دعواهای فرمایشی که گریبان حرکت کارگری را گرفته، باز کنیم

سیاست های اعمال شده رژیم جمهوری اسلامی در قانون کار که نتیجه ای جز عدم امنیت کاری و جانی برای کارگران ندارد و درکل هزینه هایی که سرمایه داری برای تضعیف حرکت های کارگری تقبل می کند و سیاستهایی که برای به انحراف کشیدن آن بکار می گیرد، بیانگر اهمیت و حساس بودن عملکرد این طبقه در جامعه سرمایه داریست که می تواند هر لحظه برای آن ها مشکل آفرین باشد و اگر به همه جوانب دشواری های مبارزاتی این طبقه ننگریم، بویژه ارتقاء این جنبش در بعد وسیعتر آن که با اعتصابات گسترده و زنجیره ای در درون رویی با کلیت نظام معنی می یابد، دقیق نشویم. اتخاذ تاکتیک های پرمضمون ما را برای همراهی با این طبقه اجتماعی با دشواری روبرو سازد.

با توجه به این که ما نیز اتفاقاً از این مسئله ونتایج آن باخبریم که سعادت بشری را همین اکثریت عظیم برای اکثریت عظیم دنیا تضمین می کند نه اقلیت چند درصدی کره زمین، از اینرو در این ستون سعی داریم تا تلاشی دیگر داشته باشیم برای دامن زدن بیشتر حول این مهم دوستان و رفقا

همراهی شما با این ستون، به تقویت اتحاد، ارتباط، حمایت و از طرفی بکارگیری تاکتیک های مناسب و روش های مبارزاتی برای پیشروی مبارزه و پایین آوردن هزینه های جانی از ضرورت های مبارزه کارگری و در شکل اعم آن مبارزات مردمی است

اتحاد که با ایجاد ارتباط میسر است با توجه به این که مارکس هم به آن باور داشته و نه در موقعیت محدود آن بلکه به خود جرأت داده تا بگوید: کارگران همه کشورها متحد شوید.

آن چه که امروز ضرورت مبارزات کارگری ایجاد می کند، تقویت ارتباط بین المللی کارگریست و آن چه مبارزات مردمی و آزادیخواهانه و مطالباتی در ایران را معنی می بخشد، تحکیم این ارتباط و تقویت هر لحظه ی آن است

شکی در این نیست که پتانسیلی که در نیروی مردمی و رشد یافته مبارزاتی آنان در طی ماه های پشت سر گذاشته دیده شده نه قابل چشم پوشی است و نه قابل قیاس با آنچه طی همه این سال ها تماشاگر آن بودیم. اما امروز و در آستانه یک اول ماه دیگر، تاکید بر پایه مطالباتی این طبقه عظیم اجتماعی و با در نظر گرفتن شکل و فرمی که سرمایه داری جهانی و نظام سرمایه داری ایران به خود گرفته این مبارزات نیاز به حمایت و همبستگی جهانی دارد

شفاف سازی در وظایف و تقسیم کار واقعی ما می تواند حرکت های مسئولانه ما را - چه در خارج و چه در داخل- در مسیر درست تری سوق دهد

منتظر مقالات و مطالب و اطلاعاتی ها و انعکاس فعالیت هایمان از هر کجای

جهان در این ستون می باشیم

با امید به همبستگی ملل برای سرنگونی سرمایه داری

مستحکم باد اتحاد بین المللی کارگران

هنیت تحریریه سایت راه کارگر

فروردین ۸۹

به یاد اول ماه مه

پاسخی کوتاه به پرسش شما

روز جهانی کارگر همیشه بیاد ماندنی است. روزی که تمامی نظام سرمایه جهانی نتوانستند در برابر این سیل جمعیت و هماهنگی سراسری کارگران ایستادگی کنند. روزی که مشت های گره کرده زحمتکشان در سراسر دنیا برای اعتراض به هژمونی نظام سرمایه داری جهانی بلند میشود. این روز اتحاد و همبستگی جهانی کارگران است ما در ایران سابقه بالای صد و بیست ساله از اعتراضات صفوف مبارزاتی مردم را در برابر نظام سرمایه و استبداد حاکم در شرایط های خاص خودش تا به دیکتاتوری تجربه کردیم اینک دنباله سرکوب و مبارزاتی همه گیر در تمامی سطوح از نظام استبداد دیکتاتوری بینیم بجای آوردن پول نفت و گاز، فقر و بدبختی و حقوق معوقه کارگران، اخراج های دسته جمعی، به رقابت کشیدن نیروی کارگری و به ارزان خریدن کارشان و کارهای موقتی همه اینها درآمد ضعیف کارمندان، معلمان و کارگران با نداشتن تعینات مسکن، بیمه و کار درست نپرداختن حقوق بیکاری، بالا بودن سطح زندگی با درآمد طبقه کارگر تا سطوح متوسطه رقم بالای ۵۰ درصدی را به خود شمول کرده است. روز جهانی کارگر از آغاز ما را به یاد تاریخچه های فراوانی از کشورهای مختلف می اندازد، که روشنی راه مبارزه و ادامه آن تا به امروز همیشه قابل قدرانی و استحکام طبقه کارگری گردد

روز اول ماه مه مبارزات کارگران شیکاگو در اول ماه مه ۱۸۸۶ روز جهانی کارگر شده است. کارگران شیکاگو از سال ۱۸۷۲ درگیر جنگ طبقاتی خونینی با کارفرمایان و نظام سرمایه و دولت آمریکا بودند. این کارگران که از اقصی نقاط جهان به آمریکا مهاجرت کرده بودند تجربه مبارزات سوسیالیستی کارگران اروپا و کمون پاریس سال ۱۸۷۱ را با خود حمل می کردند. کمون پاریس کل اروپا را به لرزه درآورده بود زیرا برای اولین بار در تاریخ سرمایه داری، کارگران و زحمتکشان نقطه ای از جهان جرات کردند دولتی حاکم را سرنگون کرده و خود قدرت سیاسی را بدست گیرند و جامعه را در مسیری متفاوت سازماندهی کنند. این دولت پرولتری پاریس بیش از دو ماه دوام نیاورد و توسط ارتش های بورژوازی فرانسه و کشورهای اروپایی درهم کوبیده شد. اما همین دو ماه کافی بود تا طبقه کارگر در تمام کشورهای سرمایه داری این حقیقت را درک کند که جنگ طبقاتی یک جنگ واقعی است و بالاخره با حل مسئله قدرت سیاسی حل می شود. کارگران یک رویارویی دراز مدتی را در برابر جهان سرمایه در پیش گرفتند. برای از بین بردن این نظام استعمار برای برقراری مساوات و برابری. برای ریشه کن کردن کار ارزان. برای از بین بردن رقابت کاری. برای ریشه کن کردن اخراج کارگران. برای تعیین بیمه های اجتماعی درمانی درازمدت و بیکاری و برای از بین بردن دیگر قانونهای بیسودی اعتراضات و اعتصابات کمکان در ایران به اشکال مختلف دیده می شود. روند حرکت های مبارزاتی سندیکایی و شورایی. از جمله حرکت های مبارزاتی کارگران هفت تپه. کارگران حفاری نفت و گاز. لوله رنگریزی جیت سازی همه این مبارزات و اعتصابات نمونه های بارزی هستند در موقعیتهای متفاوت امتیازاتی را نصیب طبقه کارگر گردانید و اینکه این صف هژمونی ضد سرمایه را حفظ کنند. و اما در شرایط قبل برای استفاده در سطوح مختلف از نحوه مبارزاتی کارگران دیگر کشورها چه در فرانسه چه در یونان و چه در پرو شیلی میتوان بوضوح دید. آن موقع در شیکاگو کارگران به مدت دهسال مبارزات مسالمت آمیز و مسلحانه را علیه کارفرمایان و دولت پیش برده بودند. آنان فقط برای هشت ساعت کار مبارزه نمی کردند. اما در شرایطی که کارگران ۱۸ ساعت کار می کردند، خواست هشت ساعت کار تبدیل به یک خواست عمومی شد و بخش بزرگی از طبقه کارگر را وارد مبارزه کرد. هسته رهبری این مبارزات اما صفوف کارگران را مرتباً با واقعیت های جنگ طبقاتی آموزش می داد. بطور مثال نشریه آلمانی زبان "کارگر" که در میان کارگران مهاجر آلمانی در شیکاگو طرفداران بسیار داشت در شماره ۱۹ مارس ۱۸۸۶ خود نوشت: «اگر ما هر چه زودتر خود را برای انقلابی خونین آماده نکنیم، میراثی جز فقر و بردگی برای فرزندانمان بر جای نخواهیم گذاشت. بنابراین خود را برای انجام انقلاب مجهز کنید.»

زنده باد حکومت کارگری- سرنگون باد حکومت دیکتاتوری اسلامی

احمد

روز جهانی کارگر، فریاد درد مشترک

"هینت تحریریه سایت راه کارگر

ساده ترین روش در هم شکستن مقاومت مردم ایران چیست؟ این پرسش و یافتن بهترین پاسخ برای آن در هر وضعیت مشخص یکی از مشغله های اصلی تحلیل گران نهادهای امنیتی و عمله های فکری رژیم ولایی است. همین پرسش اما باید از زاویه ای صد و هشتاد درجه متفاوت و از منظر برطرف کردن نقطه ضعف های مقاومت و بستن شکاف هایی که وارد شدن در آن ها به تضعیف و تجزیه مقاومت مردم می انجامد، مورد توجه دائم تحلیل گران جنبش ضد دیکتاتوری نیز قرار بگیرد. برای دیکتاتورها ایده آل ترین وضعیت در سرکوب مردم این است که مردم پراکنده و سازمان نیافته باشند، همیشه بخش مهمی از مردم در حالی که بخشی دیگر بشدت سرکوب می شوند منفعل بمانند. همیشه قوی ترین و سازمان یافته ترین تهاجم به ضعیف ترین و بی دفاع ترین بخش مردم صورت بگیرد و هر سرکوب، قدرت سرکوب را تقویت و مقاومت مردم را تضعیف کند.

جمهوری اسلامی تنها اتوبوس و ساحل دریا و دانشگاه و مدرسه را از منظر جنسیتی جداسازی نکرده است، همین جداسازی اساس و پایه فکری آن ها در سرکوب مقاومت مردم هم هست. یعنی سرکوب و شدت و ضعف آن بر سیستم تعمیق جدا سازی استوار است. مثلا تجربه ماه های اخیر به وضوح نشان می دهد که در هر حرکت اعتراضی بزرگ، اصلی ترین اولویت نیروهای امنیتی شناسایی سازمانگران اعتراضات و دستگیری آن ها بود تا اول از همه حرکت را بی سر کنند. درآستانه ۲۲ بهمن که وحشت مرگ سرپای دستگاه ولایی را فراگرفته بود، حدود ۱۸ هزار نفر از فعالین سیاسی و سازمانگران و کنشگران نام آشنای جنبش های مختلف و زندانیان سیاسی پیشین و روشنفکران و معترضان و... خلاصه، کسانی را که فکر می کردند که توانایی سازماندهی و هدایت مردم در حین گسترش اعتراضات را دارند در سراسر کشور طرف یک هفته دستگیر و راهی زندان کردند. همین مثال را می توان در حوزه پیوندهای فکری و طبقاتی نیز مطرح کرد. سی و یک سال است که تقلا مداومی برای در هم ریختن پیوندهای واقعی میان قشرها و لایه های هم سرنوشت و جایگزین کردن آن ها با هویت های عام فراطبقاتی پرابهام و پاره وار نظیر مذهب و امت اسلامی و نظایر آن جریان داشته است.

هدف این است که وقتی به کوی دانشگاه حمله می کنند و دانشجویان را قصابی می کنند، کارگر کارخانه و معلم مدرسه و روشنفکر و زن سرکوب شده بی اعتنا بمانند، وقتی با بولدورز دیوار کارخانه را بر سر کارگران خراب می کنند و به خاطر مطالبه دستمزد معوقه با دهها اتوبوس کارگران را به اسارت می برند، دانشجوی سرش را پانین بیاندازد و کاری به کار کارگران و حقوق شان و دستمزدشان و سرکوب شان و دردشان نداشته باشد و به زخم های خودش مشغول باشد. وقتی به زنان حمله می کنند و لایحه تعدد زوجات به مجلس می برند، فقط زنان، آن هم فقط لایه نازکی از تحصیل کرده ها را در برابر خود داشته باشند و نه مقاومت توده ای زنان را؛ یا فراتر از آن، همبستگی همه جانبه کارگران و دانشجویان و روشنفکران و روزنامه نگاران، فعالان ملی و مدنی و دهها قشر و لایه و گروه اجتماعی با حقوق زنان را. وقتی در کردستان و بلوچستان و دیگر مناطق چوبه های دار بر پا می دارند و حق مسلم مردم برای تعیین سرنوشت را به هیچ می گیرند، دیگران از کنار آن بگذرند.

سال های آژگار است که همین وضع جریان دارد و در ده ماهه اخیر رویارویی با جنبش ضد دیکتاتوری، سرکوبگران تقریبا همه جا سعی کردند بر اساس همین تعمیق شکاف ها و جلوگیری از به هم پیوستن بخش های مختلف معترضان، سرکوب ها را سازمان دهند. حالا اما مساله این است که بدون برآشفتن این وضع و بدون جایگزین کردن همبستگی عملی مبارزاتی نمی توان مقابله موثری را با دیکتاتوری سازمان داد. زمان آن رسیده است که حمایت از خواست کارگران برای گرفتن حقوق معوقه به یک خواست عمومی و فراگیر و همه جانبه همه مردم ایران تبدیل شود. همچنان که حمایت از خواست ترک و کرد و بلوچ و عرب و ترکمن و دانشجو و معلم و زنان و روشنفکران. باید روز دانشجو روز همه معترضان باشد، روز کارگر روز همه مردمی که از فقر و سرکوب سیاسی به تنگ آمده اند، روز جهانی زن روز همه زنان و مردانی که به برابری حقوق زنان و مردان اندیشه می کنند. زیرا جامعه ای که دانشجویان بی مکافات سرکوب می شود، جامعه ای است که در آن

حتما و قطعا به حقوق زن هم تجاوز می شود و بی هیچ تردید دستمزد کارگر هم بالا کشیده می شود، و ملیت هایش به خاک و خون کشیده می شوند. مخالفت با سرکوب به شرطی بازتولید شکلی دیگر از سرکوب نیست که در مسیر خود به مخالفت با همه شکل های سرکوب و سرکوب همه قشرها و لایه های اجتماعی و ملیت های تحت ستم و اقلیت های مذهبی و فرهنگی ارتقا یابد. از اینجاست که مبارزه برای حق کارگر، مبارزه برای حق خویشتن است. با تنها گذاشتن کارگر در مبارزه برای حقوقش، دانشجو، معلم، روشنفکر، زن، تهیدست حاشیه شهری و ملیت های تحت ستم، اقلیت های مذهبی و فرهنگی هم تنها خواهند ماند و در همین تنهایی ماست که استبداد بر کرده همه ما سوار می شود. بالاخره باید زندان ها و سیاهچال های فکری مسموم این رژیم تبهکار؛ نظام ارزش گذاری فاشیستی و هویت سازی های فراطبقاتی جعلی آن را از ریشه دور ریخت؛ بالاخره باید بر این مقاومت فکری مژمن که ملاحظه کاری در برابر بخشی از قربانیان سرکوب از لایه های فقیر و پانین جامعه را تا حدی امتداد می دهد که عملا به بازتولید همان سیستم اولویت گذاری فاشیستی همین رژیم نزدیک می کند، غلبه کرد. باید با اندیشه ای که برای لایه ها و قشرهای اجتماعی سرقفی های مجزا و نمایندگی های مادم المعر خودخوانده ی غیرقابل تغییر قابل است و تصور دیگری جز قفسه های خاک خورده مجزا یا جاده یکطرفه از رابطه اندیشه ورزان با طبقات و لایه های اجتماعی ندارد، یک بار برای همیشه وداع گفت. روز جهانی کارگر که در پیش روی ماست آزمونی است در میزان پیشروی جنبش ضد دیکتاتوری به سمت این رویکرد از همبستگی مبارزاتی، جنبشی که بگوید: کارگران از ما هستند و ما با کارگران هستیم، جنبشی که بگوید: درد گرسنگی کارگر و فلاکت حاشیه نشین، درد من است، درد معلم دو شغله و دانشجوی بیکار و استاد دانشگاهی که از نابسامانی و سرکوب بی پایان اندیشه انتقادی به تنگ آمده، درد من است؛ درد ملیت های تحت ستم درد من است، درد مظلومانه اقلیت های مذهبی و فرهنگی درد من است، جنبشی که بتواند بگوید، بی حقی زن، بی حقی من است، تجاوز به نیمی از هویت من است؛ جنبشی است که در حقیقت گفته است: من درد مشترکم! مرا فریاد کن. بادا که اول ماه مه، یازده اردیبهشت روز جهانی کارگر، به روز فریاد درد مشترک همه محرومان و ستم دیده گان سرزمین ما تبدیل شود.

صنایع فلزی تا پایان فروردین به روی کارگران بسته شد

اینا: به دلیل نبود مواد خام، کارخانه صنایع فلزی شماره یک تا پایان فروردین ماه تعطیل و درهای آن به روی تمامی کارگران آن بسته خواهد بود.

پروین محمدی، از فعالان کارگری کارخانه صنایع فلزی ایران درگفتگو با اینا گفت: بیشتر به کارگران گفته شده که کار هست اما به منظور تامین مواد اولیه کارخانه تا پایان فروردین ماه تعطیل خواهد بود.

وی افزود: در مجموعه کارخانه شماره یک صنایع فلزی نزدیک به ۳۵۰ کارگر رسمی به ساخت انواع کانکس کاروان و اتاق های فلزی پیش ساخته فعالیت دارند.

این کارگر گفت: سال گذشته نیز به دلیل مشابه امسال، کارخانه تا پایان فروردین ماه تعطیل بود که این وضع به پرداخت نشدن سه ماه حقوق و مطالبات منجر شد. به گفته محمدی کارگران صنایع فلزی هنوز بابت مطالبات مزدی سال قبل از کارفرما طلب کار هستند.

وی همچنین درخصوص وضع کارگران کارخانه صنایع فلزی ۲ گفت: این کارخانه از بعد اتمام تعطیلات نوزدی فعالیت خود را آغاز کرده است و تمامی ۳۵۰ کارگر آن مشغول به کار هستند. محمدی یادآور شد: کارگران کارخانه صنایع فلزی ۲ که به ساخت پل های فلزی مشغول هستند نیز بابت یک ماه حقوق سال قبل از کارفرما طلبکار هستند.

مجموعه کارخانه صنایع فلزی شماره یک و ۲ از واحدهای تولیدی با سابقه و بزرگ منطقه جنوب غرب تهران هستند.

۱۷ فروردین ۱۳۸۹

تبعیض علیه زنان در بعد جهانی

ناهد جعفرپور

تبعیض برزنان در بعد جهانی، خشونت و استثمار، عدم وجود تامينات اجتماعی و آموزش بعد و تنها آن وجوه قابل رویت حقوق پايام شده زنان می باشند که بطور جهانی با مکانیسم نابرابری اجتماعی و قدرت در هم تافته شده اند.

چرا تنها در ماه مارس و بخصوص درروز جهانی زنان درست بمانند تمامی سالروز های دیگر تلاش می شود توجه عموم به این تم ها که معمولاً توجه کافی به آن نمی شود، برانگیخته شود. روز جهانی ایدز و همچنین روز جهانی آب می تواند برای این ادعا مثال های خوبی باشند. مسلماً کسی مخالف این نیست که تم های مهم حضور بالائی در افکار عمومی پیدا نکنند. چه کسی می تواند بطور جدی مفهوم سالروز ایدز یا سالروز آب را رد نماید؟

تصورات فمینیستی هرگز به این ایده خلاصه نمی شوند که تنها در این ماه و این روز به یک مشکل حل نشده اجتماعی اشاره گردد و در این ماه و این روز درباره زنان و وضعیت آنها فکر شود و یا در این ماه و این روز زنان و نقش اجتماعی آنان ارج گذاری گردد.

درست است که زنان بعنوان مجریان آگاه و بعنوان کسانی که برای احقاق حقوق خود مبارزه و عمل می کنند تاریخاً در مرکز این ماه و این روز قرار گرفته اند. اما همین مسئله در باره اول ماه مه هم صادق است. روزی که سمبل مبارزه زنان کارگر در جنبش جهانی زنان است. انهم در جهان کنونی که چهره فقرش و چهره استثمارش زنانه است. جهانی که پایداریش بر مبنای هر چه بیشتر ستم و بهره کشی و فشار از نیروی ارزان زنان است. دقیقاً بحث برابری های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در این روز معنا پیدا می کند. مسئله ای که متأسفانه در مرکز افکار عمومی قرار نمی گیرد و همواره اول ماه مه و ارج گذاری آن چهره ای مردانه پیدا می کند. درست بمانند سالروز ایدز و سالروز آب و سالروز محیط زیست و سالروز..... جهانی سازی نئولیبرالی مرکز توجه اش استفاده بی نهایت از نیروی کار ارزان زنان در تمامی ابعاد ممکن است و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی آن و در نهایت عملکردهای نظامی این سیستم بربری و نو استعماری بر زندگی زنان تأثیری مستقیم و کشنده و مرگبار داشته است. با نگاهی به جنگ های دهه اخیر به این ادعا بیشتر پی خواهیم برد.

آنچه مسلم است وظیفه تمامی زنان آگاهی که به جامعه با نگاهی انتقادی می نگرند این است که از تمامی این روز ها استفاده نمایند تا بدینوسیله بتوانند در باره معضلات و مشکلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست محیطی ای که سد راه برابری جنسیتی و عدالت اجتماعی و زندگی در خور شرف انسانی صرف نظر از جنسیت است به بحث و گفتگو پرداخته و این بحث ها را در مرکز توجه افکار عمومی قرار دهند.

آلیس شوآرتز فمینیست آلمانی در مصاحبه ای با روزنامه فرانکفورتر رونیو می نویسد " ۸ مارس را باید برداشت زیرا که تنها یک روز برای دلخوش کردن زنان است". این روز را سوسیالیست ها نام گذاری نمودند آتم بخاطر اعتصاب زنان کارگر خارخانه جات پارچه بافی. اما جنبش زنان در غرب اوائل سال های ۷۰ بر علیه چپ های مردسالار اعتراض نمود و بدین طریق اعلام موجودیت نمود. در آن زمان چپ های غرب با وجود اینکه طرفدار آزادی دهقانان بولیویایی بودند اما زنان و دوست دختران خود را همچنان به کار قهوه درست کردن و اعلامیه تایپ کردن و بچه بزرگ کردن وا می داشتند. حتی درکشورهای موجود سوسیالیستی هم در رده های بالا حضور زنان وجود نداشت. از این روی من فکر می کنم از همه بهتر این است که روز دلخوش کنک زنان را کنار بگذاریم و بجای آن " ۳۱ روز سال را تبدیل به روز انسانها " زنان و مردان" تبدیل نمایم".

تفکر فمینیستی به همراه خود عملکردهای متنوع و قدرت تجهیز خاص خود را دارد. اما در جهان امروز این عملکرد ها مورد مخاطره جدی قرار گرفته و مرتباً کم رنگ تر جلوه داده می شوند. اگر که فمینیست ها مرتباً به جهان پیرامون خود و به تفکرات خویش به صورت انتقادی نگاه نمایند و به بحران هایی که مرتباً فمینیست ها را دوره می کند نپردازند و رنجی را که در شرایط امروز جهان به زنان و بخصوص به بخش آگاه آن وارد می شود که این خود پیامد پروسه دردناک زندگی در جهان سرمایه داری کنونی و جهانی سازی نئولیبرالی است را مورد تجزیه و تحلیل و نقد قرار ندهند در این صورت نمی توانند در مقابل این خطرات به موقع عکس العمل نشان دهند. سازماندهی همبستگی بین المللی زنان در زمانی که رژیم جهانی بازار با قدرت به استثمار بی سابقه زنان در سرتاسر

جهان مشغول است، بی شک با زمان گذشته و مناسبات سرمایه داری گذشته فرق های اساسی دارد. می بایست بدنبال اشکال متفاوت از سازماندهی بود که بتوان توسط آن همبستگی بین المللی زنان را قابل رویت نمود و رابطه زنان جنوب و شمال جهان را برای انتقال تجربیات منطقه ای و راه های مبارزه بر علیه رژیم های منطقه ای و رژیم جهانی بازاربرقرار نمود. عدالت اجتماعی بدون برابر جنسیتی در تمامی زمینه ها هیچ مفهومی نخواهد داشت و سرانجامی نخواهد داشت. در جهان کنونی سیاست و اقتصاد و فرهنگ و اجتماع تحت تأثیر مناسبات بازار جهانی قرار دارند. بنابراین برای برقراری برابری جنسیتی میبایست در تمامی این زمینه ها به مبارزه پرداخت و دخالت مستقیم داشت. زمان آن که زنان تنها برای رسیدن به اهداف خود و در بلوک خود مبارزه نمایند گذشته است. اهداف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی اجزاء غیر قابل تفکیک اند. فمینیست ها برای نیل به اهداف خود باید سازماندهی ای مناسب این شرایط پیدا نمایند و برای رسیدن به برابری جنسیتی در تمامی این زمینه ها فعال باشند. مسلم است که هیچگاه در این راه ناهموار و دشوار نمی بایست از خواست ها و شعار های مختص خود حتی ذره ای عقب گرد نمود اما برای تغییر جهان و برقراری عدالت اجتماعی ای همراه با برابری جنسیتی راه چاره ای دیگر وجود ندارد. از این روی بررسی اشکال نوین سازماندهی امر مسلم و ضروری پیش روی جنبش فمینیستی و جنبش زنان چه بطور منطقه ای و چه بطور جهانی است.

برابری جنسیتی نیاز به یک تغییرات پایه ای در جامعه دارد. جامعه ای که در آن اشکال متفاوت مناسبات وابسته ای که مناسبات نابرابر جنسیتی را مرتباً زاد و ولد می کنند را از سر گذرانده باشد و برای برابری جنسیتی در همه زمینه ها برنامه ریزی پایه ای کرده باشد. حق حضور در تمامی بخش های اجتماعی و در نتیجه برابری اجتماعی از مسیر حق بر مناسبات اقتصادی و خواست دسترسی برابر به مقام های رهبریت در اقتصاد، سیاست و فرهنگ می گذرد. در اینجا بحث من موضوع مقام و کسب شانس برای زنان نیست بلکه موضوع بر سر بالا بردن کیفیت شغلی و دسترسی به شرایط ورود به بازار توسط زنان است. در چنین جامعه ای دیگر مرکز قدرت و مناسبات رهبریت در اختیار یک جنس قرار ندارد بلکه بر مبنای مهارت ها و ظرفیت ها و دانش فردی رها از جنسیت جامعه سازماندهی می گردد.

شرایط بد کاری و دستمزد های اندک نیروی کار زنانه محدوده های آزاد تجاری و کارخانه جات استثمارگر کنسرن های چند ملیتی چرخ های سرمایه داری نئولیبرالیسم را می چرخاند. به این مشخصات می بایست سرمایه گذاری های خارجی هم را اضافه نمود که رشد و صعود درآمد منفعت گران و بدنبالش فقری عریان که در درجه اول گریبانگیر زنان است را باعث شده است که این خود استثمار و تبعیض هرچه بیشتر بر زنان را موجب شده است. زنان کارگری که با دستمزد های اندک استثمار می شوند نه تنها به موتور های فقر گسترده جهانی تبدیل شده اند بلکه همچنین به موتور اقتصاد بازار جهانی و اقتصاد لیبرالیزه شده و مدرن و جهانی سازی هم تبدیل گشته اند. کسانی که خود را با آمار های و ارقام و اطلاعات بازار جهانی مشغول می سازند به تئوری و ضعف های بازار واقف شده و نتیجه می گیرند که تجارت آزاد هیچ علاقه به از بین بردن نابرابری های جنسیتی نداشته و برعکس تلاش می کند آنرا شدت بخشد تا بتواند هر چه بیشتر استفاده ببرد. در واقع این یکی از کارزار های مهم جهان فمینیست است که بدون حل آن و بدون درگیر شدن با آن نابرابری جنسیتی از بین نخواهد رفت.

طرفداران نئولیبرال آزادی زنان تلاش می کنند که مشکل جنسیتی را غیر سیاسی ساخته و مسیری فردی به آن بدهند. سیاست جنسیتی تفکر نئولیبرالی که تلاش دارد زنان را خام سازد میبایست در مرکز توجه و بحث های تمامی فمینیست های جهان باشد. شرایط زندگی زنان در مناطق مختلف جهان بسیار گوناگون و گاه متضاد هم است. تلاش برای شناخت متحد و زبان سیاسی متحد که بتواند جهت های متفاوت و جنبش های متفاوت و موقعیت ها و جریان های متفاوت زنان را فعال سازد و اهداف مشترک سیاسی و اجتماعی برای مبارزه متحد در راه برابری جنسیتی در تمامی زمینه ها را به وجود آورد، باید یکی دیگر از تم های مهم فمینیست ها در سطوح منطقه ای و جهانی گردد. از سوی دیگر وظیفه چپ هاست که نه تنها در ماه مارس بلکه همانطور که آلیس می گوید در تمامی روزهای سال مسئله زنان را محور بحث ها و مبارزات خود سازند زیرا که تنها شرط عدالت اجتماعی رهائی از نابرابری جنسیتی است. بزبان دیگر کلید هر جامعه آزاد و ایدالی حل مسئله زنان است.

.....

جمهوری فرانسه

شماره ۵۹

آزادی - برابری - برادری

کمون پاریس

نظر به اینکه نخستین اصل از اصول جمهوری فرانسه^۱، آزادی است؛

نظر به اینکه اولین اصل آزادی، آزادی اندیشه است؛

نظر به اینکه بودجه ی ادیان خلاف اصل آزادی اندیشه است؛ زیرا شهروندان را برخلاف اعتقاد شخصی شان مجبور به پرداخت مالیات می کند؛

نظر به اینکه روحانیت، در عمل، شریک جرم جنایات رژیم سلطنتی، علیه آزادی بوده است؛

کمون پاریس مقرر می دارد:

ماده ۱- کلیسا از دولت جداست.

ماده ۲- بودجه ادیان حذف می شود.

ماده ۳- اموالی که به آنها موقوفه^۲ گفته می شوند و متعلق به جمعیت های دینی هستند، اعم از منقول و غیر منقول، به مالکیت ملی در می آیند.

ماده ۴- برای تعیین ماهیت این اموال، سریعاً^۳، تحقیقی به عمل می آید، تا در اختیار ملت قرار گیرند.

کمون پاریس ۳ آوریل ۱۸۷۱_ پاریس چاپخانه ملی آوریل ۱۸۷۱ برای دریافت کامل نوشته شهرداد سردمی به سایت راه کارگر مراجعه نمایند.

"مدرسه اتوبوسی" دانش آموزان گنبد کاووس (عکس)



ویدئو کشته شدن نمیر نوالدین، خبرنگار عراقی رویترز
بوسیله نیروهای آمریکا

سایت خبری راه کارگر

ویدئو کشته شدن خبرنگار ۲۲ ساله رویترز نمیر نوالدین به همراه ۱۲ عراقی در سال ۲۰۰۷ توسط نیروهای آمریکایی بوسیله هلیکوپتر آچایی موجی از تنفر و انزجار برانگیخت. این ویدئو برای اولین بار روز گذشته بروی یوتیوب قرار گرفت و آنگاه بلافاصله برداشته شد. نسخه اصلی آن اما در سایت های دیگر انترنتی قابل رویت است. در این ویدئو می بینیم که خلبان هلیکوپتر بعد از کشتن نمیر و سایرین خنده سر می دهد. دو مرد غیر مسلح که در حال انتقال اجساد به ون نیز بطرز وحشیانه ای به قتل رسانده می شوند. جنایاتی این چنین توسط کسانی که خود را صادر کنندگان دموکراسی می نامند فراوانند ولی هرازگاهی برخی از آنها به بیرون درز پیدا می نمایند. نیروهای اشغال گر عراق، آمریکا، این قتل عام انسانی را در نتیجه رد و بدل شدن تیراندازی بین تروریستهای بنیادگرای اسلامی القاعده و ارتش متجاوز آمریکا توجیه نموده بودند. این ویدئو اما نشان ار آن دارد که این افراد مسلح نبوده اند. از زمان اشغال عراق، ۲۰۰۹-۲۰۰۳، بیش از ۱۳۸ خبرنگار در عراق کشته شده اند. شما می توانید در سایت دموکراسی ناو (IDemocracy Now) http://www.democracynow.org/2010/4/6/massacre_caught_on_tape_us_military این ویدئو را ببینید.

اطلاعیه مشترک

کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید

جمهوری اسلامی و داندسرای ویژه ایرانیان خارج از کشور

جمهوری اسلامی که به خاطر تبه کاری دیرینه بیش از سه دهه خود و ایجاد خفقان، سرکوب و جنایت های بیشمار، با خیزش بزرگ مبارزاتی توده های میلیونی مردم ایران روبرو ست؛ در پی آن بر آمده است که برای جلوگیری از همبستگی ایرانیان خارج از کشور با این مبارزات، داندسرای ویژه تشکیل دهد و صدای افشاگرانه آنان را خاموش کند. مرتضی بختیاری وزیر دادگستری جمهوری اسلامی، روز شنبه گذشته اعلام کرده است که: برای تشکیل این داندسرای ویژه هماهنگی های لازم به عمل آمده است و مشکل خاصی وجود ندارد.

اخیرا نیز رژیم جمهوری اسلامی کوشید که با همکاری پلیس بین المللی برخی از فعالین سیاسی ایرانی را به عنوان متهم دادگاه های جمهوری اسلامی در تنگنا قرار دهد.

اما اگر تحت تعقیب قرار دادن فعالین سیاسی توسط پلیس بین الملل به بهانه داشتن شاکی خصوصی در ایران مطرح شده است؛ این بار رژیم می کوشد که فعالین سیاسی خارج از کشور را مستقیما به خاطر مبارزات سیاسی و افشاگری هایشان در افکار عمومی مردم جهان مورد تعقیب قرار دهد.

افزون بر این، وزیر دادگستری جمهوری اسلامی، در مورد امکان بازگشت پناهندگان سیاسی به ایران گفته است: « با توجه به حضور دستگاه های امنیتی در شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور، این دستگاه ها در این زمینه تصمیم گیری می کنند.»

در پیش گرفتن سیاست محکومیت بازداشت شدگان ماه های اخیر در ایران به زندان و مرگ، تهدید فعالین سیاسی خارج از کشور به محاکمه در داندسرای ویژه و ایجاد ترس و بیم در میان ایرانیان مقیم خارج که به کشور بازمی گردند؛ نشانه اوج درماندگی جمهوری اسلامی ست.

این امر همچنین نشان می دهد که مبارزات فعالان سیاسی ایرانی در خارج از کشور تا چه حد در روحیه مردم مبارز ایران تاثیر می گذارد و تا چه اندازه رژیم را در برابر افشاگری های جهانی آن ها زیر فشار قرار می دهد.

کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید، بنا بر پیشینه مبارزاتی خود در دفاع از آزادی اندیشه و بیان، هرگونه تلاش رژیم جمهوری اسلامی را برای تداوم سیاست خفقان در ایران و دراز کردن دست سرکوب به زندگی ایرانیان خارج از کشور را محکوم می کند و همچنان به دفاع از مبارزاتی بر می خیزد که نشانه آزادی اندیشه و بیان را بر پیشانی خود دارند. ششم آوریل ۲۰۱۰

کانون نویسندگان ایران در تبعید و انجمن قلم ایران در تبعید

نگاهی به سرنوشت دو وعده کلان دولت احمدی نژاد به مردم

احمدی نژاد با دو وعده کلان وارد میدان سیاست شد. آوردن پول نفت بر سر سفره مردم و قطع دست رانت خواران و دانه درشت ها و مفسدان اقتصادی. به جای آوردن پول نفت بر سر سفره مردم او حالا با مجلس دست به یقه شده است که چرا می خواهد او فقط بیست هزار میلیارد تومان از سفره مردم در عرض یک سال برداشت کند و نه چهل هزار میلیارد تومان و در مورد وعده دوم، معاون اول او به اعتراف افرادی که خودشان به جناح اصولگرا

تعلق دارند مرد شماره یک شبکه فساد است به نام خیابان فاطمی. وپلاک رادیو راه کارگر: با افشگرگی جدید الیاس نادران علیه محمد رضا رحیمی معاون اول احمدی نژاد بار دیگر نقش وابستگان دولت فعلی در پرونده های فساد اقتصادی و میزان آلودگی آنها، همچنین شکاف های درونی اصولگرایان در معرض توجه افکار عمومی قرار گرفته است. الیاس نادران نماینده مجلس می گوید که آن مقام عالی رتبه دولتی که در قوه قضائیه برایش پرونده بزرگ فساد اقتصادی تشکیل شده، کسی نیست جز محمدرضا رحیمی، معاون اول احمدی نژاد. یک مقام دفتر احمدی نژاد در واکنش به افشگرگی نادران، سخنان او را « قابل پیگرد» از سوی دستگاه قضایی دانسته است. سخنان نادران مربوط به پرونده ای ست که املی لاریجانی، رییس قوه قضائیه، در اسفندماه سال گذشته از آن پرده برداشته بود. او از بازداشت یک باند فساد اقتصادی در یک شرکت دولتی خبر داده و گفته بود: « افراد این باند توانسته اند با جعل اسناد دولتی و قضایی، میلیاردها تومان به حقوق مردم و بیت المال خسارت وارد کنند که فقط اختلاس یک نفر از آنان شش میلیارد تومان است. اما املی لاریجانی در مورد اینکه چرا نخواستیم یا نتوانسته رهبر این باند را دستگیر کند، توضیحی نداد. در همین زمینه، روز ۱۵ فروردین، ۲۳۳ نماینده مجلس در نامه ای به رییس قوه قضائیه خبر از فشار به این قوه در رابطه با پرونده فساد

خبر دادند و در نامه خود نوشتند: «بر اساس اخبار موثق در مورد مبارزه با مفاسد دانه درشت ها فشارهایی متوجه وی شده است».

الیاس نادران که به جناح باصلاح اصولگرای مجلس وابسته است، روز گذشته در حاشیه جلسه مجلس گفت: «افرادی که در بحث مفاسد اقتصادی از رحیمی معاون اول رییس جمهور دفاع می کنند از میزان دخالت وی در شبکه مفاسد اقتصادی که اخیرا اعضای آن دستگیر شده اند اطلاعی ندارند».

وی در حالی فساد نزدیکترین یار احمدی نژاد را افشا کرد که احمدی نژاد «مبارزه با فساد» دولتی را محور تبلیغات انتخاباتی خود اعلام کرده بود و روز سه شنبه هم دوباره وعده داده بود که به زودی دست برخی از دانه درشت ها و مدعیان اقتصادی را قطع خواهد کرد.

این نماینده درباره پرونده موسوم به فساد «خیابان فاطمی» گفت: رحیمی رییس حلقه فساد در خیابان فاطمی است که نسبت به جمع آوری منابع از محل منابع فاسد و توزیع آن تصمیم گیری می کرده است و اکنون تقریبا همه اعضای این شبکه فساد اقتصادی در خیابان فاطمی دستگیر شده اند الا معاون اول فعلی رییس جمهور. اینکه کسی را به دلیل مسئولیت اجرایی اش از دستگیری مستثنی می کنند نه عادلانه است نه پذیرفتنی.

در واکنش به این حرکت یک مقام مسوول دفتر احمدی نژاد هم در مقام دفاع از محمد رضا رحیمی گفت: اتهامات نادران علیه دومین مقام اجرایی کشور، ادامه همان رفتار کینه توزانه ای است که از آغاز تشکیل دولت نهم و بویژه در آستانه انتخابات دهم ریاست جمهوری، ظهور و بروز پیدا کرد و پایانی بر آن قابل تصور نیست.

حمایت دفتر احمدی نژاد از رحیمی در حالی صورت گرفت که بحث در مواردی چون ۳۵۰ میلیارد تومان هزینه بدون سند در سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ در زمان شهرداری احمدی نژاد، فساد در موسساتی چون «بهزیست بنیاد» و «بهزیست پترولیوم»، دخیل در قاچاق محصولات پتروشیمی و از حامیان انتخاباتی احمدی نژاد، برداشت ۸۵۰ میلیون دلار از حساب ذخیره ارزی بدون مجوز مجلس، ۴۵۰۰ مورد تخلف مالی مقامات دولتی که رئیس دیوان محاسبات فاش کرده بود، عدم واریز هزار میلیارد تومان، معادل یک بیلیون دلار از مازاد درآمدهای نفتی کشور به خزانه عمومی، سرنوشت نامعلوم ۵۲ میلیارد تومان در جریان برداشت جداگانه دولت از حساب ذخیره ارزی کشور، پای احمدی نژاد و دولتش را

در پرونده فساد مالی، همانند سرکوب سیاسی باز کرده است.

احمدی نژاد با دو وعده کلان وارد میدان سیاست شد. آوردن پول نفت بر سر سفره مردم و قطع دست رانت خواران و دانه درشت ها و مفسدان اقتصادی. به جای آوردن پول نفت بر سر سفره مردم او حالا با مجلس دست به یقه شده است که چرا می خواهد او فقط بیست هزار میلیارد تومان از سفره مردم در عرض یک سال برداشت کند و نه چهل هزار میلیارد تومان و در مورد وعده دوم، معاون اول او به اعتراف افرادی که خودشان به جناح اصولگرا

تعلق دارند مرد شماره یک شبکه فساد است به نام خیابان فاطمی. این سرنوشت دو وعده کلان احمدی نژاد است؛ سرنوشتی که بار دیگر این حقیقت اساسی را تایید می کند که سرکوب سیاسی، استبداد و دیکتاتوری محیط مناسبی برای کشت و پرورش شبکه های مافیایی و فساد مالی و عزتگرگی بی حساب و کتاب است.

فرجام پر هزینه وعده های دروغین احمدی نژاد نشان می دهد که فساد سیاسی نمی تواند با فساد مالی و سواستفاده از قدرت همراه نشود. مهار فساد مالی به علنیت، شفافیت، دموکراسی و تبعیت فرمانروا از قانون نیاز دارد؛ نیازهایی که پیش از هر چیز مستلزم برافتادن بختگ استبداد مذهبی و رهایی شهروندان از شر نظام مافیایی و سرکوبگر جمهوری اسلامی است. ۷ آپریل ۲۰۱۰

کشمکش مجلس و دولت بر سر تعرض تدریجی یا حمله برق آسا به سطح معیشت مردم، و لزوم سازماندهی واکنش مزد و حقوق بگیران.

گفتار سیاسی روز رادیو راه کارگر

ناتوانی دولت از پرداخت هزینه های جبرانی ناشی از تورم و فشار خرد کننده حاصل از افسارگسیختگی قیمت ها و ترسش از احتمال بروز شورش های گرسنگان، سبب شده تا دولت به اجرای برق آسای برچیدن یارانه ها و حمله به سطح معیشت مردم، درآمیخته با بسیج شبه فاشیستی تمایل پیدا کند و با طرح چند مرحله ای مجلس که فشار بر تهیدستان و اقشار کم درآمد را مرحله به مرحله افزایش می دهد، مخالفت کند. احمدی نژاد نگران است که کشمکش ها و طغیان های ناشی از فشار مرحله ای برچیدن یارانه ها، سراسر دوره دوم ریاست جمهوری او را به دوره درگیری و رویارویی با مردم تبدیل کند و پایه استهلاک سیاسی بیشتر و فروپاشی دولت را فراهم سازد. او همچنین نگران است که افزایش مرحله ای فشار به تهیدستان شهر و روستا و زحمتکشان و کارگران، به این اقشار و لایه ها فرصت سازماندهی مقاومت و اعتراض دهد. در حالی که طرح حمله برق آسا که بی شباهت به تاکتیک جنگ برق آسای نازی

ها در جنگ جهانی دوم نیست، قبل از این که مقاومتی بتواند سر برکشد و پا سفت کند، همه جا را با خاک یکسان سازد و مجال تعرض باقی نگذارد. از آنجا که این احتمال بیشتر است که طرح حمله برق آسای دولت به سطح معیشت لایه های فقیر سرانجام با عقب نشینی مجلس متحقق شود، درم شکستن این تعرض گستاخانه مستلزم بهره برداری از فرصتی است که جدال مجلس و دولت بر سر شیوه بیرون کشیدن آخرین لقمه های نان از سفره مردم فقیر هم اکنون ایجاد کرده است. مناسبت هایی که در راه است مانند روز معلم و روز جهانی کارگر فرصت هایی است برای پیوند مطالبات معیشتی مزد و حقوق بگیران و مطالبات سیاسی. مخالفت با گرانی، راهسازی قیمت ها، تعرض گستاخانه دولت و مجلس به سطح معیشت زحمتکشان، پاسخ انفرادی ندارد. حرکت غریزی مردم در گردآوری محصولات جوابگو نیست. مخالفت با فقر، گرانی، تورم، بیکاری، اخراج و تعدیل نیروی انسانی، باید در کنار مطالبه ایجاد تشکل مستقل صنفی، دستمزد منطبق با نرخ تورم، پرداخت بی قید و شرط کلیه مطالبات معوقه مزدبگیران و مطالباتی از این دست، به سطح مفاد مطالباتی حرکت های اعتراضی مناسبت هایی چون روز معلم و ۱۱ اردیبهشت روز جهانی کارگر تبدیل شود.

سازماندهی واکنش هر چه گسترده تر همه قربانیان طرح تهاجمی حکومت در برچیدن یارانه ها در سال جدید و بویژه اقشار و لایه های

زحمتکش و مزدبگیر، در مقابله با این تعرض اهمیت حیاتی و بلافصل یافته است و شایسته است تا در مرکز توجه همه فعالین کارگری، سیاسی و کنشگران جنبش های اعتراضی قرار بگیرد.

.....

کاهش ساعت کاری زنان اقتصاد کشور را زمینگیر می‌کند

مغز جامعه مرکب از زنان و مردان است و اگر زنان از اجتماع کنار زده شوند، جامعه فقط از نصف مغز و ظرفیت خود استفاده می‌کند بنابراین بهتر است نمایندگان مجلس اندکی دست نگه دارند و برای تصویب قوانین از همه مغز خود استفاده کنند.

کاهش ساعت کاری زنان اقتصاد کشور را زمینگیر می‌کند

ایلنا: یک پژوهشگر اقتصاد توسعه می‌گوید کاهش ساعت کاری زنان هر چند که در نگاه اول مزیتی برای زنان به شمار می‌رود اما در واقع نوعی اجحاف به این قشر محسوب می‌شود. او این اقدام مجلس را مصداق «دوستی خاله‌خرسه» می‌داند و معتقد است کم شدن ساعت کاری زنان باعث می‌شود که دیگر کارفرمایان زنان را استخدام نکنند. به نظر این پژوهشگر اقتصاد توسعه اگر زنان از عرصه اجتماع خارج شوند و دیگر کارفرمایان تمایلی به استخدام آنها نداشته باشند حرکت توسعه‌ای ایران نه تنها به تعویق می‌افتد بلکه زمینگیر نیز می‌شود.

کمال اطهری در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا گفت: کاهش ساعت کاری زنان برنامه مفیدی نیست و بهتر است دولت به جای این اقدام، میزان مرخصی‌های زنان را افزایش دهد.

او ادامه داد: با کاهش ساعت کاری زنان، این گروه از جامعه از محیط کار کنار گذاشته می‌شوند زیرا با این اقدام، میزان بهره‌وری زنان در محیط‌های کاری کاهش می‌یابد و آنها نمی‌توانند آموزش‌های حین کار را به خوبی بیاموزند و معلومات خود را به روز نگه دارند و این امر در ارتقا شغلی زنان تاثیر منفی دارد، بنابراین کاهش ساعت کاری زنان در عین حال که در نگاه اول نوعی مزیت به نظر می‌رسد اما در واقع نوعی اجحاف به زنان است و باعث کاهش بهره‌وری در کشور می‌شود و مفید حال زنان نیست.

اطهری گفت: در حال حاضر میزان مشارکت زنان در جامعه بسیار پایین است و مجلس باید اقداماتی را پایه‌ریزی کند که بر اساس آن میزان مشارکت این قشر در جامعه افزایش یابد تا شاهد ارتقای خانواده و اقتصاد کشور باشیم نه اینکه با کاهش ساعت کاری زنان، زمینه را برای خروج زنان از فعالیت‌های اجتماعی فراهم کنیم.

او تصریح کرد: زنان در سال‌های اخیر، از نظر میزان تحصیلات دانشگاهی، رشد چشمگیری داشته‌اند، اما نرخ بیکاری در زنان تحصیل کرده همچنان بالا است و زنان جامعه ایران که به دنبال مشارکت اجتماعی هستند و می‌خواهند در ساختن کشور مشارکت داشته باشند و در ارتقا اقتصادی و اجتماعی جامعه سهیم باشند، در حاشیه قرار دارند بنابراین مجلس باید سعی کند، شرایط را برای مشارکت بیشتر زنان فراهم کند نه اینکه سعی کند همین گروه اندک زنان که با تلاش فراوان در ساختن جامعه مشارکت دارند، کنار بزند.

این پژوهشگر اقتصاد توسعه گفت: اصرار مجلس بر کاهش ساعت کاری زنان، جهت‌گیری اشتباهی است و مجلس نباید نگاه قشری داشته باشد و زنان را از صحنه اجتماع حذف کند.

اطهری تاکید کرد: بعضی‌ها گمان می‌کنند با کاهش مشارکت اجتماعی زنان می‌توانند مشکل بیکاری مردان را حل کنند در حالی که این تفکری غلط و سستی است. کنار زدن زنان برای حل مشکل بیکاری مردان ضد شایسته‌سالاری و عدالت و خلاف قانون اساسی است.

او ادامه داد: بسیار عجیب است که چرا مجلس به جای حل معضلات اقتصادی کشور تمام هم و غم خود را گذاشته است که کاهش ساعت کاری زنان را قانونی کند درحالی که قانونی شدن این موضوع به نفع هیچ‌کس نیست.

این پژوهشگر اقتصاد توسعه گفت: مغز جامعه مرکب از زنان و مردان جامعه است و اگر زنان از صحنه اجتماع کنار زده شوند مانند این است که جامعه فقط از نصف مغز و ظرفیت خود استفاده کند. بنابراین بهتر است نمایندگان مجلس اندکی دست نگه دارند و برای تصویب قوانین از همه مغز خود استفاده کنند.

اطهری اظهار کرد: خروج زنان از عرصه اجتماع و محیط‌های کاری میزان فقر را در جامعه افزایش می‌دهد. در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا، تعداد افراد شاغل در خانواده دو نفر است و این کشورها تلاش می‌کنند با مشارکت همه افراد جامعه در سازندگی میزان تولید را افزایش دهند. اما با کاهش ساعت کاری زنان و به دنبال آن خروج زنان از عرصه اجتماع میزان تولید کاهش می‌یابد و از طرف دیگر بار تکفل بالا می‌رود و یک نان‌آور در خانواده وظیفه تامین معاش بقیه اعضا را عهده‌دار می‌شود. او توضیح داد: وقتی شرایط به گونه‌ای است که میزان صادرات غیرنفتی در کشور کمتر از پنج درصد تولید ناخالص ملی یعنی حدود ۱۰ تا ۱۵ میلیارد دلار است و برای رسیدن به توسعه نیاز است میزان صادرات

غیرنفتی ده برابر شود و آن نیز نیازمند پنج برابر شدن تولید ناخالص ملی است، مجلس باید سعی کند شرایط را برای مشارکت بیشتر زنان در جامعه فراهم کند زیرا فقط مردها نمی‌توانند کشور را به توسعه برسانند. این پژوهشگر اقتصاد توسعه تصریح کرد: مجلس باید به فکر جهش اقتصادی در کشور باشد و افزایش تولید را در دستور کار خود داشته باشد و بداند که این جهش اقتصادی جز با مشارکت بسیار دقیق زنان و مردان در عرصه اجتماع امکان‌پذیر نیست.

اطهری ادامه داد: مطرح شدن کاهش ساعت کاری زنان در مجلس، مصداق دوستی خاله‌خرسه است، زیرا با قانونی شدن این امر، جامعه آسیب می‌بیند، زیرا مردان به تنهایی نمی‌توانند از طرفی هم تولید مورد نیاز جامعه را افزایش دهند و هم بار اصلاحات اقتصادی در قالب هدفمند کردن یارانه‌ها را به دوش بکشند و برای اینکه مردم به سلامت از وضعیت کنونی اجتماع عبور کنند نیاز است که زن و مرد هر دو کار کنند و در اجتماع حضور داشته باشند و در توسعه کشور کمک کنند.

او تصریح کرد: از طرف دیگری زمانی که دارای تحصیلات عالی هستند اگر برای سازندگی جامعه به کار گرفته نشوند، هزینه صرف شده دولت برای تحصیل آنها، به هدر رفته محسوب می‌شود و همین موضوع خود تورم‌زا است. زیرا هزینه انجام شده برای تحصیل زنان منجر به تولید و سازندگی نشده است.

این پژوهشگر اقتصاد و توسعه تاکید کرد: نمایندگان مجلس بدانند اگر زنان از عرصه اجتماع خارج شوند و دیگر کارفرمایان تمایلی به استخدام آنها نداشته باشند حرکت توسعه‌ای ایران نه تنها به تعویق می‌افتد بلکه زمینگیر نیز می‌شود.

لغو بیمه زنان خانه‌دار برخلاف وعده‌های دولت

از ابتدای امسال طبق دستورالعمل وزارت رفاه طرح بیمه زنان لغو شد. البته پیش از این بسیاری از کارشناسان با مطرح کردن اوضاع نابسامان سازمان تأمین اجتماعی و مشخص نبودن منابع لازم، نسبت به تداوم اجرای طرح یاد شده تردید کرده بودند. با این وصف اگرچه مسؤولان تأمین اجتماعی تلاش دارند با اتخاذ مواضع دپلوما اینطور وانمود کنند که بیمه زنان خانه‌دار به قوت خود باقی است اما ظواهر امر از حقایق دیگری خبر می‌دهد. مدیرکل امور فنی بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی در مورد بیمه زنان خانه‌دار می‌گوید: بیش از یک‌سوم از اجرای طرح بیمه زنان خانه‌دار تحت مشاغل و حرفه‌های آزاد می‌گذرد اما وزارت رفاه اخیراً طرحی ارائه کرد که بر اساس آن زنان خانه‌دار از طریق تسهیلاتی به طور جداگانه بیمه می‌شوند. احمدپایور ادامه می‌دهد: طرح بیمه زنان خانه‌دار که از سوی وزارت رفاه مطرح شده همچنان در حد یک پیشنهاد باقی مانده و هیچ‌گونه تصمیمی در این باره اتخاذ نشده است. از سایت خبری راه کارگر

زنان خانه‌دار هیچ وقت بازنشسته نمی‌شوند!

همواره در مورد این موضوع که کار زنان در خانه شغل محسوب شود یا نه تفاوت دیدگاه وجود داشته است اما شاید بتوان ادعا کرد که هیچ انسان منصفی در مورد دشواری و طاقت فرسا بودن کار خانم‌ها در منزل تردیدی به خود راه نمی‌دهد. از دیدگاه شرع مقدس هم اگر بررسی کنیم انجام کارهای خانه برای زنان اجباری نیست و خاتم خانه حتی می‌تواند بابت کارهای منزل اجره المثل دریافت کند. بیمه زنان خانه‌دار به ویژه از آن رو که بسیاری از زنان به جهت اشتغال تمام وقت در منزل حقوقی دریافت نمی‌کنند و بالمال از مزایای بازنشستگی بی‌بهره می‌مانند، اهمیت می‌یابد، زیرا این دسته از بانوان که اکثریت جمعیت زنان کشور را تشکیل می‌دهند هیچگاه استقلال مادی نخواهند داشت و این موضوع در سنین کهنسالی بخصوص در صورت فوت همسر دشواری‌ها را برای این دست از زنان کشور دوچندان می‌کند. دبیر منطقه ۷ کمیسیون حقوق بشر اسلامی از جمله اشخاص حقوقی است که نسبت به بی‌تفاوتی دولت در مورد بیمه زنان خانه‌دار انتقاد دارد. وحید کاظم‌زاده در اعتراض به لغو حق بیمه زنان خانه‌دار توسط وزارت رفاه و عدم لحاظ اعتبار آن در بودجه سال آینده کمیسیون تلفیق می‌گوید: زنان خانه‌دار هنوز شیرینی شهد حق بیمه را نچشیده بودند که این حق لغو شد. این مقام مسؤل خاطر نشان می‌کند: اینکه دولت نخواست و نمی‌خواهد از زنان خانه‌دار کشور حمایت کند، حالا دیگر کاملاً باورپذیر است، بدین ترتیب تنها روزنه امیدی که زنان خانه‌دار تا پیش از این داشتند و آن اجرای طرح بیمه زنان خانه‌دار بود با دستورالعمل وزارت رفاه منتفی شد. از سایت خبری راه کارگر

آیا تحولات جدیدی در گروه "جندالله" در جریان است؟

آیا تحولات جدیدی در گروه "جندالله" در جریان است؟ می‌مکران: هنوز یک ماه از تحویل عبدالملک ریگی توسط سرویس های امنیتی خارجی به ایران نگذشته است که به نظر می‌رسد گروه جندالله درگیر تحولاتی شده است که هنوز نمی‌توان از کم و کیف آن سخن گفت. گروهی که خود را لشکر مالکی معرفی کرده با انتشار بیانیتهای اعلام موجودیت کرده است. اما تاکنون گروه جندالله در قبال این بیانیتهای واکنشی نشان نداده است. با این حال نگاهی به بیانیتهای منتشر شده از سوی جانشین عبدالملک و گروهی که به تازگی اعلام موجودیت کرده بیاتگر دو گرایش روشن در این گروه است. محمدمظاهر بلوچ رهبر جدید "جندالله" در اولین بیانیتهای خود آورده بود:

"همچنین من از مردم و خصوصاً از جوانان می‌خواهم هر چه زودتر به صفوف جنبش ملحق شده و بدانند که تنها راه نجات از سلطه ستمگران و متجاوزان و تعدی گران مقاومت و مبارزه مسلحانه است و من از همه مردم ایران اعم از مردم شجاع کردستان و مردم خون گرم ترکمن و دلیر مردان عرب اهواز و حماسه سازان بلوچستان و عبورمردان فارس و مردان آهین ترک می‌خواهم که علیه ظلم و تجاوز رژیم ولایت فقیه قیام مسلحانه نموده و جنبش آماجگی خود را برای آموزش همه مردم ایران در همه زمینه های نظامی و چریکی اعلام می‌نماید. من درد و نگرانی جامعه اهل سنت و خصوصاً مردم بلوچستان را درک می‌کنم اما آنها مطمئن باشند که فرزندان ایمان و حماسه لحظه ای از عهد و پیمان خود غفلت نخواهند کرد و راهی که امیر عبدالملک ترسیم نموده بود را با جدیت و عزمی مستحکم تر ادامه خواهند داد و هرگز به جنایتکاران ولایت فقیه اجازه نخواهند داد که در بلوچستان با آسایش و امنیت زندگی کنند و بلوچستان را برای بیگانگان جنایتکار تبدیل به جهنمی بس خطرناک تر از قبل خواهند کرد."

توجه به این بیانیتهای نشان می‌دهد که رهبر جدید جندالله در تلاش است که همبستگی مردم دیگر مناطق ملی و مردم سراسر ایران را از مبارزات مردم بلوچستان جلب کند و نوک تیز حمله اش را علیه دستگاه ولایت فقیه متمرکز سازد.

اما گروهی که بنام لشکرفدانی امیر عبدالملک (لشکر مالکی) اعلام موجودیت کرده است در اولین بیانیتهای خود که در ششم آوریل منتشر کرده است ضمن مرزبندی با رهبر جدید آورده است: "ما به جانشین رهبر بلوچستان احترام می‌گذاریم اما به ایشان اعلام می‌کنیم که ما فدائیان امیر عبدالملک هستیم و با اجازه ایشان می‌خواهیم عملیات های خود را علیه متجاوزان آغاز کنیم و همه جنایتکاران را به درک واصل کنیم". این جریان جدید در بیانیتهای خود بی‌توجه به همبستگی مردم سراسر کشور با مردم بلوچستان با استفاده از فرهنگ دامن زدن به نفرت آورده است:

"لشکر مالکی به رژیم توصیه می‌کند که بهتر است و به نفع رژیم است که رهبر بلوچستان را آزاد نموده و اگر به این توصیه عمل نشود راهکار ما قتل و کشتار بیگانگان ساکن در بلوچستان است و به بیگانگان در هیچ حال رحم نمی‌شود و سربازان عبدالملک فقط اگر در خانه های متجاوزان و بیگانگان بمب دستی بیندازند هیچ بیگانه ای در دیار فدائیان عبدالملک نخواهد ماند."

این جریان پس از تهدید رژیم حملات خود را علیه ساکنین بومی استان متمرکز کرده و می‌نویسد:

"حیات و زندگی زابلی ها و بیگانگان در دست رهبر بلوچستان امیر عبدالملک است و اگر ایشان آزاد نشوند مرگی شعله بار زابلی ها را در خود فروخواهد برد و این تنها هشدار نیست و رژیم به خوبی شعله های آتش را درک می‌کند.

بلوچستان با یک چاشنی منفجر می‌شود و این انفجار ریشه زابلی ها را از بیخ خواهد کند همانگونه که عملیات فاروق اعظم در بتکده زاهدان شهر را از کنترل رژیم خارج کرد و الان هم یک انفجار کوچک و یک نفری چنین تاثیری دارد و بلوچستان را از کنترل نظام خارج می‌نماید زابلی ها اگر می‌خواهند فرزندان شان سالم به خانه برگردند و زنان شان می‌خواهند شوهران شان به خانه برگردند باید به خیابان ها بریزند و خواهان آزادی رهبر بلوچستان شود و این توصیه لشکر به سران و سرداران و بزرگان زابلی است که این به نفع آن هاست و در غیر این صورت رجمی در کار نیست و لشکر مالکی حکم کشتن همه را صادر می‌نماید."

به این ترکیب گروهی که خود را لشکر مالکی معرفی کرده است فرمان کشتن همه غیربلوچ های ساکن بلوچستان از کودک و بزرگ صادر کرده

است. چنین ادبیاتی تنها می‌تواند به یک جنگ برادر کشی هولناک منجر شود. روشن نیست که این جریان جدید تا چه حد در گروه جندالله از وزن و نفوذ برخوردار است. اما در هر صورت انتشار چنین ادبیات نفرت که با تهدیدات تروریستی علیه کودکان و زنان همراه شده است، می‌تواند نگران کننده باشد. وبلاگ اتحاد داوطلبانه ۷ اپریل ۲۰۱۰

افزایش نجومی قیمت گوشت

در حال و هوای بد اقتصاد ایران

ایلنا: پایان سال ۸۸ و در حال و هوای بد اقتصاد ایران، بار دیگر بازار گوشت قرمز با افزایش نجومی قیمت که در طی چندین مرتبه از سال ۸۸ اتفاق افتاده بود، خبر ساز شد.

بر همین اساس کارشناسان از افزایش قیمت گوشت در سال جاری نیز سخن می‌گویند و بر این باورند که گوشت در دیگ گرانی سرخ می‌شود.

واردات گسترده، عامل نابودی صنعت دامپروری کشور انتقادهای بی‌شماری به دولت دهم مبنی بر واردات گسترده گوشت قرمز است به گونه‌ای که منتقدان، واردات را عامل نابودی صنعت دامپروری در درازمدت توصیف کرده‌اند.

در حال حاضر قیمت در بازار گوشت قرمز، به ازای هر کیلو بین ۱۲ هزار و ۵۰۰ تا ۱۷ هزار تومان در نوسان است.

گوشت گوساله نیز با اندکی تفاوت بین ۱۰ تا ۱۴ هزار تومان در بازار تهران معامله می‌شود.

هر چند که توزیع گوشت قرمز در میدانی شهرداری به قیمت کیلویی ۱۰ هزار تومان توزیع می‌شود اما هیچگاه تاکنون نتوانسته نیاز مصرف کنندگان تهرانی را برآورده کند.

تناقض در اظهارات وزارت بازرگانی و کشاورزی در حالی که صادق خلیلیان وزیر تازه نفس وزارت کشاورزی توقف روند افزایش قیمت گوشت قرمز را، افزایش صادرات عوارض گوشت گوسفندی اعلام کرده است، وزارت بازرگانی همچنان اصرار به واردات بی‌رویه گوشت قرمز می‌کند؟!

صدور سالانه یک و نیم میلیون راس دام زنده به کشورهای عربی و نزدیک ۵۰۰ هزار راس دام زنده به صورت قاچاق شاید به گفته‌های مسوولان وزارت کشاورزی مبنی بر بی‌نیازی بازار از گوشت وارداتی به واقعیت نزدیکتر باشد. ۹ فروردین

* پیوندها *

سردبیر نشریه: منصور نجفی

mansour.nadjifi@telia.com

تلفن، فاکس ایمیل و روابط عمومی سازمان

تلفن ۰۰۴۹ - ۵۰۶۹۹۵۳۰

فاکس ۰۰۴۹ - ۶۹-۹۵۲۱۹۰۱۰

public@rahekargar.net

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

orwi-info@rahekargar.net

سایت خبری راه کارگر

<http://rahekargar.wordpress.com>

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.org

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargaran.com

نشر بیدار

www.nashrebidar.com

نشریه انگلیسی ایران بولتن

www.iran-bulletin.org

توجه: مقالاتی که با کد "دیدگاه" مشخص میشوند،

الزاماً بیانگر مواضع سازمان نیستند.